

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا أبي القاسم المصطفى محمد و على أهل بيته الطيبين الطاهرين و اللعن على اعدائهم أجمعين.

کلام در این بود که شاهد بگوید: این که مرا احضار کردید و آوردید و نگاه داشتید برای شهادت من سه روز بیکار شدم، پول آن را می خواهم! آیا این مصداق عمل حری است که مضمون واقع بشود و باید دستمزد آن روز را به این شخص داد یا خیر؟ به این اعتبار وارد این بحث شدیم که اصولاً عمل حر مضمون است یا خیر؟ گفته شد اقوالی در این جا است.

گاهی گفته می شود اصلاً ضمان نیست چون مال محسوب نمی شود

گاهی گفته می شود فقط در فرضی مضمون است که در قرارداد اجاره ای ، آن عمل مورد اجاره واقع شده باشد و الا مضمون نیست. حالا همین که در عقد اجاره ای مورد اجاره واقع شده باشد، دو نوع اجاره داریم، یکی اجاره مطلق است و یکی اجاره خاص (مقید یا واحد و یا وحد) است. منظور از اجاره مطلق، این است که شما خیاط را برای دوختن لباس اجیر کردید و مبلغی را برای اجیر مشخص کردید ولی زمان انجام عمل هم مشخص نیست یعنی برای اتیان عمل شروع و پایان خاصی متصور نیست بلکه مطلق است، گاهی شما به خیاطی می روید و شروع و پایان عمل مشخص است که به آن اجاره خاص یا مقید، یا وحد یا واحد می گویند.

خیلی از فقها در اجاره خاص می گویند: این جا بر عمل این خیاط در آن وقت بخصوص صدق مال می شود. الان خیاط این جا از صبح تا شب اجیر من شده که خیاطت کند، دستمزدی که برای کار او هست مالیت دارد، حال این فرع پیش می آید ، اگر این خیاط را حبس کنیم که نتواند آن کار را انجام بدهد، می گویند: چون این عمل او که الان مالیت پیدا کرده شما از بین بردید لذا اجرت او زائل می شود. ولی در اجاره مطلق چطور؟ این آقا کار خیاطی اش هشت ساعت به طول می انجامد ولی زمان انجام دادن مشخص نیست من بیایم هشت ساعت او را بازداشت کنم که این هشت ساعت لزوماً برای عملی که برای من بوده نیست؟ این

جا چطور باید معادل هشت ساعت را به او بدهیم؟ پس کلام در این است که در اجاره مطلق آیا مفوت ضامن است یا خیر؟ در اجاره مقید چطور آیا ضمانی هست یا نیست؟

نسبت به بخش اول یعنی اگر فرض در اجاره مطلق که زمان خاصی در آن معین نشده باشد در این مورد مرحوم ابن فحد حلی در المذهب (ج 4 ص 250) می‌فرماید: «واعلم ان موضوع المسأله و محل الخلاف انما هو علی تقدير الوقوع العقد علی العمل ثم حبسه مدّة یمكن فیها استيفائه» بدان که موضوع مسأله و محل اختلاف (در این که شخص ضامن اجرت اجیر می‌شود یا خیر) در وقوع عقد به صورت مطلق است و بعد این مستأجر، اجیر را که بنا بود در اجاره مطلق به اندازه همان مقداری که کارش لازم دارد، حبس کند، پس کلام در اجاره مطلق است که اگر کسی دیگری را بازداشت کرد و کاری کرد که نتوانست عمل مورد اجاره را انجام بدهد آیا شخص اجیر مستحق اجرت می‌شود یا خیر؟

در این که ایشان فرمود: مسأله اختلافی است باید فتاوا را بررسی کنیم؛ بر اساس تتبعی که شد، معظم فقها فرموده اند: در اجاره مطلق ضمانی نیست یا حداقل تردید دارند ولی در عین حال مسأله اجماعی نیست و برخی قائل اند که در اجاره مطلق هم ضمان هست.

مرحوم علامه حلی (ره) در تحریر الاحکام (ج 4 ص 521) می‌فرماید: «لو استأجر الحرّ و منعه عن العمل لم تستقر الاجاره» اگر کسی، شخص حری را برای کاری اجیر کرد و مانع از عمل شد اجاره مستقر نیست یعنی در حقیقت عقد اجاره اثر ندارد، چون نگفته در زمان خاص، پس از این کلام اجاره مطلق فهمیده می‌شود، بنابراین در این حالت شخص مستحق اجرت نمی‌شود یعنی در حقیقت ضمان معاوضی جریان پیدا نمی‌کند چون ضمان معاوضی زمانی درست می‌شود که هریک از طرفین تعهدی را که دارد اتیان کند والا مستحق عوض نمی‌شود.

محقق حلی (ره) در شرایع (ج 3 ص 185) می‌فرماید: «لو استأجره فی عملٍ فاعتقله و لم یستعمله فیه ترددٌ والاقرب ان الاجره لاتسقر لمثل ما قلناه» اگر کسی دیگری را برای کاری اجیر کند، و او را بازداشت کند و در طول زمان بازداشت هم از او کار مورد نظر را نکشیده در این که این جا حکم مسأله چیست تردد وجود دارد ولی اقرب آن است که در این جا ضمانی برقرار نیست و اجرتی را به آن شخص بدهکار نمی‌شود.

مرحوم محقق نجفی (ره) در جواهر (ج 37 ص 42) می‌فرماید: «لو استأجره علی عمل فاعتقله مدّة یمكن فیها استيفاء العمل و لم یستوفه و بذل الاجیر نفسه للعمل کذلک و لم یستوفه منه ففی استقرار الاجره ترددٌ کما فی التذکره والقواعد الارشاد و غایه المراد و لكن الاقرب ان الاجره لاتستقر کما فی التحریر و جامع المقاصد و تعلیق الارشاد و المسالک و الروضه و الریاض و غیره» می‌فرماید: اگر کسی دیگری را اجیر کرد که کاری را انجام بدهد بعد هم خودش آن شخص را بازداشت کرد، مدتی که ممکن بود عمل در آن

مدت انجام بشود، هشت ساعت با او کار داشت ولی نه هشت ساعت معین ولی یک هشت ساعتی او را بازداشت کرده است، برای پرداخت اجرت محل تردد است. بعد این کلام را به بزرگان نسبت می دهند و می فرمایند اقرب این است که این جا، جایی برای اجرت و ضمان نیست. پس یک عده فتوئا گفته اند که در این جا ضمانی نیست، برخی هم گفته اند این که ضمان باشد محل تردد است.

مع الوصف در مسأله مخالف هم هست که یکی مرحوم محقق اردبیلی است که در مجمع الفائدة (ج 10 ص 514) می فرماید: ممکن است ما حتی قائل به اجرت المسمی هم بشویم؛ در اجاره مطلق کلام در چیست؟ اگر شخصی اجیر بوده و بنا بوده کاری برای ما انجام بدهد و زمانی که صرف می شود نمی دانیم و ما اجرتی را برای هشت ساعت فی الجمله مشخص کرده ایم که به آن اجره المسمی می گوییم و ممکن است به ثلث قیمت یا نصف قیمت تراضی کرده باشیم، ایشان می فرماید: اگر شخصی را معادل هشت ساعت بازداشت کرد نه صرفا در حد اجرة المسمی که کمتر از اجرت المثل بود ضامن است. یا بگوییم از آن طرف کار نداریم ارزش کار کمتر بوده بلکه اگر چنانچه شما به یک نفر مراجعه کردی و مبلغ بالاتری از مزد متعارف توافق کردی بگوییم همان اجرة المسمی حتی اگر بالاتر از اجرة المثل این شخص هم هست ضامن است.

مبنای این که بگوییم فقط اجرة المثل را ضامن است می تواند این باشد که ضمان در این جا ضمان از باب ضمانات قهریه است چون باب، باب اتلاف و اضرار است و باید ضرر طرف مقابل جبران شود و اگر کسی گفت اجرة المسمی را ضامن است یعنی ضمان معاوضی را پذیرفته است یعنی این اجاره صحیح است با این که تعذر تسلیم پیش آمده، حالا که صحیح است نتیجه این است که باید تعهد معاوضی را انجام بدهد و اجرة المسمی را بپردازد، بنابراین ایشان می فرماید: غیر از این که فرض ضمان قهری مطرح است بگوییم ضمان، ضمان معاوضی هم هست و باید به اجرة المسمی را بپردازد.

بعد ایشان تمایل پیدا می کند که بگوییم ضمان قهری نیست بلکه ضمان معاوضی است چون باب، باب اتلاف نیست و اتلاف چیزی است که مالی که کسی بر آن سلطه دارد را از بین ببرد و این که کسی را بازداشت کنیم و در آن عمل تحصیل نشده، باب اتلاف نخواهد بود. بنابراین صدق اتلاف بر آن محل کلام است بنابراین ایشان اصل تحقق ضامن شدن را در اجاره مطلق پذیرفته است.

در اجاره مطلق اقوال این است که هیچ نوع ضمانی در مسمی و مثل نیست، ولی فرمایش محقق اردبیلی این بود که بعید نیست که بگوییم اجره المسمی هم برقرار است، صاحب عروه (عروۃ الوثقی ج 2 ص 589) می فرماید: «و احتمال الفرق بینهما بالاستقرار فی الثانی دون الاول لانّ منافع الحر لا تضمن الا بالاستیفاء لوجه له لان منفعه بعد العقد علیها صارت مالا للمستحق.» می فرماید: احتمال فرق لوجه له احتمال فرق

بین چی و چی؟ کلام در این است که در اجیر مطلق آیا ضمان می آید یا خیر؟ آیا بین اجیر مطلق و اجیر وحد (اجیر خاص) فرق است یا خیر؟ بیان ایشان این است و احتمال الفرق بینهما... یعنی که بگوییم در اجاره مطلق ضمان نیست و در خاص هست، اینکه این حرف را بزنیم به این دلیل که منافع حر تا زمانی که استیفاء نشود بحث تعلق مسئولیت نسبت به او منتفی است، وجهی ندارد یعنی در هر دو ضامن می شود، لان منافع بعد القعد... چون وقتی کسی دیگری را در عقد اجاره اجیر کرد، عمل شخص نسبت به مستأجر مالیت پیدا می کند صرف نظر از این که هنوز استیفاء شده باشد یا نشده باشد یا در اجاره مطلق باشد یا در اجاره خاص چون ملاک این است که منفعت اگر صدق مال بکند، نسبت به او ضمان جریان پیدا می کند و فرقی بین این دو نیست بنابراین در این مسأله دو قول پیش آمد، قول به ضمان در اجاره خاص دون المطلق و قول به ضمان در هر دو.

تا برسیم به این که اگر اجاره نباشد و عمل حری تزییع شود چطور؟ آیا شخص ضامن می شود یا خیر؟

و الحمد لله رب العالمین